

عنوان مقاله:

مقایسه ساختار شخصیت و کهن الگوی داستان شاه و کنیزک مولوی و سنایی

محل انتشار:

اولین کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرآیندهای تعلیم و تربیت (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 12

نویسنده:

زهرا غفاری - دانشجوی کارشناسی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان واحد پردیس زینبیه پیشوا

خلاصه مقاله:

مولوی و سنایی از شاعران عرفانی زبان و ادبیات فارسی هستند. این دو شاعر در عرصه عرفان آثار گسترده ای دارند که از جمله داستان های مشترک عرفانی میان این دو شاعر، داستان شاه و کنیزک است. داستان شاه و کنیزک نخستین داستان مثنوی پس از ذکر ماجرای نمادین و تمثیلی نی نامه است. این داستان همچنین، از جمله حکایات عرفانی بسیار مهم در حدیقه حکیم سنایی نیز می باشد. در این داستان، نمادهای عرفانی در قالب اشخاص انسانی نمود یافته اند و می توان آن ها را از جنبه های گوناگونی چون نوع داستان پردازی، تمثیل به کار گرفته شده در آن و دیگر جنبه ها نیز مورد بررسی قرار داد. لذا هدف پژوهش حاضر بررسی ساختار شخصیت داستان، کهن الگویی (آرکی تایپ) و رمزگشایی ادبی، سمبل ها و تمثیل در داستان شاه و کنیزک می باشد. این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی در آثار ادبی و تحلیل نوع شخصیت ها در داستان پردازی گردآوری و تنظیم شده است. با توجه به چند وجهی بودن مسئله مورد بررسی، داده ها بر اساس روش تحلیل واکاوانه و مطالعه موردی انجام گردیده اند. نتایج به دست آمده از پژوهش حاکی از داستان پردازی گسترش یافته تر و تنوع طلبی بیشتر در آثار مولوی نسبت به آثار سنایی است. تا آنجا که در نوشتار داستانی با مفهومی مشترک، تنوع در تعداد اشخاص در سروده دو شاعر و گسترش مطالب اوج و فرود داستان در اثر مولوی نسبت به سنایی مشخص گردید.

کلمات کلیدی:

داستان شاه و کنیزک، ساختار شخصیت-و کهن الگویی، سمبل، سنایی و مولوی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1293662>

